

آرمان

نشریه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شماره اول - آذر 97

در این شماره آرمان به بررسی
نواسانات اخیر شاخص بورس می
پردازیم.



به نام خداوند بخشنده و مهربان



مدیرمسئول/سر دبیر: محمد پورسردار

صفحه آرا: مریم نیازی

طراح جلد: حمیدرضا مرادخانی

کانال تلگرام: @arman_khu

ارتباط با ما:

arashpoorsardar@gmail.com

همکاران این شماره:

محمد پورسردار، پویا قنبرپور ، امیرحسن

بزرگی متین، مریم نیازی.

فهرست مطالب این شماره:

سخن سردبیر (3)

نوسانات اخیر شاخص بورس (4)

از غول نقدینگی چه می دانید؟ (5)

معرفی کتاب؛ عقاید یک دلچک (7)



ماهنامه آرمان با حمایت های
مادی و معنوی معاونت
فرهنگی دانشگاه خوارزمی
منتشر می شود.

اقتصاد؛ علم بهینه سازی است، فرض علم اقتصاد آن است که در جهان منابع محدودی وجود دارد و سعی علم اقتصاد این است که منابع محدود را به بهترین شیوه میان ملت ها تقسیم نماید. در طی چند مدت اخیر صحبت های زیادی می شنویم، از دانشجویان، جوانان، دوستان در دانشگاه، سر کلاس درس و ... که چرا کشور ما به لحاظ اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد، همه این سوال را می پرسند که اقتصاد ما چه زمانی بهبود می یابد؟ البته هرکسی به فراخور

سطح سواد، میزان مطالعه و رشته تحصیلی اش پاسخ متفاوتی برای این سوال دارد، ولی بگذارید روشن بگویم، باید ابتدا این سوال را تک به تک ما از خودمان بپرسیم که "ما چه زمانی خوب می شویم؟" چه زمانی در جهت درست گام بر میداریم؟ شرایط اقتصادی کلان یک جامعه چیز جدایی از رفتارها، طرز فکر و عملکردهای فردی مردم یک کشور نیست، اگر منابع

کشوری به شکلی بهینه در سطح کلان تخصیص داده نمی شوند بدانید که عامه مردم آن کشور در سطح خرد درآمد هایشان را به شکلی بهینه هزینه نمی کنند... چند مدت پیش خبری را می خواندم که طبقه متوسط به پایین ایرانی (از لحاظ سطح درآمد) سالانه بیش از 30 درصد از درآمد خود را به خرید دخانیات اختصاص می دهد درحالیکه برای انجام تفریحات سالم (بطور مثال سینما، پارک و ورزش ...) کمتر از 10 درصد هزینه می کند... دانشجویی که از رفتار بد مسئولین دانشگاهی می نالد، بهداشت خوابگاه را مناسب نمی داند، اعتقاد دارد که اساتید گروه تحصیلی اش ضعیف هستند؛ اما خودش به نظافت شخصی بی توجه است، به راحتی در راهرو خوابگاه زباله می ریزد، در طی چهار سال تحصیلی اش حتی یک بار به کتابخانه دانشگاه مراجعه نمی کند و یک کتاب مرتبط یا غیر مرتبط با رشته تحصیلی اش از کتابخانه دانشگاه به امانت نمی گیرد. کارمندی که همه جا می گوید مشکلات اداره شان زیر سر وزارت خانه و بخشنامه هایش است ولی

خودش دیر سرکار حاضر می شود و ارباب رجوع را معطل می گذارد. راننده تاکسی که از دزدی و اختلاس شکایت می کند اما خودش همیشه چند هزار تومن بیشتر کرایه مسیر می گیرد (البته این مورد با وجود شرکت های خدمات مسافری اینترنتی تا حد زیادی کاهش یافته است)... آیا این رفتار ما تقصیر مسئولین است؟ تقصیر تحریم هاست؟ ... "ما باید از خودمان شروع کنیم" باید تصمیم بگیریم که از همین امروز منابع درآمدی خانواده مان را به

بهترین شکل ممکن هزینه کنیم، از همین حالا نسبت به مصرف دخانیات حساس باشیم و اگر خودمان مصرف می کنیم حداقل به دیگران تعارف نکنیم تا شاید سرانه استعمال دخانیات کشور قدری کاهش یابد، تصمیم بگیریم در ماه یک کتاب کوچک بخیریم و چند صفحه ای از آنرا بخوانیم، برای بهداشت فردی و جمعی مان اهمیت قایل باشیم، نوع دوست ،

پرتلاش و باانگیزه باشیم... باور کنیم که مسئولین هم از سیاره مریخ نیامده اند، آنها مثل خود من و شما هستند، آنها همان گونه ای رفتار می کنند که من و شما رفتار می کنیم، آنها هم در این کشور بزرگ شده اند، در همین سیستم آموزشی تحصیل کرده اند، اگر نقص کوچکی در رفتار مسئولین وجود دارد پس حتما نقص های بزرگتری در رفتار عامه مردم هست، رفتار مسئولین آینه تمام نمایی از رفتار مردم است... همیشه سردبیر ها در اولین شماره هر نشریه مانسفت (مرامنامه) آن نشریه را اعلام می کنند، مرام نشریه آرمان همین است؛ "بیایید از خودمان شروع کنیم"

سخن سردبیر

محمد پورسردار

arashpoorsardar@gmail.com

شرکت می توان نام برد یا به عبارتی دیگر تغییر در بنیاد یک شرکت، به طور مثال شرکت ایران خودرو اقدام به تولید یک خودرو جدید می کند که می تواند فروشش را افزایش دهد در نتیجه ارزش سهام این شرکت افزایش پیدا خواهد کرد از مسائل محیطی هم می توان افزایش تقاضا برای یک محصول را نام برد. خوب بریم سراغ پرسش دوم یعنی اینکه چرا شاخص در این مدت اخیر به شدت رشد کرد؟ خوب مهم

ترین دلیلش دلار بوده است اما چرا دلار باعث افزایش ارزش سهام شرکت ها شد؟ علت این امر این است که ارزش ریال کاسته شده است اما این شرکت ها اکثر داراییشان نقد نمی باشد و بیشتر به صورت املاک وجود دارد در نتیجه با بی ارزش شدن ریال به طور نسبی ارزش این کالاها کمتر از ریال دچار کاهش شد البته این اشتباه است که بگوییم ارزشش ثابت مانده یا افزایش پیدا کرده است. چون در صورتی که دارایی ها به صورت سکه ، دلار یا ... بوده باشد از کاهش ارزش مصونیت پیدا می کرد که بدین شکل نیست در نتیجه اکثر شرکت ها رشد کرده اند

البته نه به اندازه دلار. آیا با افزایش شاخص ما هم سود کرده ایم؟ جواب مسلما خیر است. شاید بگویید که پولتان حتی 2 برابر شده اما پول ریالی شما 2 برابر شده در عوض دلار تا 5 برابر هم افزایش پیدا کرد و الان در مرز 4 برابریش ثابت شده پس در نتیجه اگر پول ریالی شما در بورس تهران 2 برابر شده باشد باز هم شما ضرر کردین و ارزش پولتان نصف شده است البته با افزایش شدید دلار می توان گفت که همه ضرر کردند اما شما کمتر ضرر کرده اید، البته این مثالی که زدم برای افرادی بوده که یک سهام خریده اند و معیار بنده نیز شاخص بوده که تقریبا از اردیبهشت 2 برابر شده است، خوب افرادی که با این بازار آشنا هستند می توانند با سوداگری و ... بیش از این ها هم در شرایط فعلی سود کنند.

چرا شاخص بورس تهران افزایش یا کاهش میابد؟ برای چه اخیرا به این اندازه پیشرفت داشته است؟ و آیا با این افزایش ما سود کرده ایم یا نه؟ در ابتدا قبل از پاسخ دادن باید با ماهیت بورس تهران بیشتر آشنا بشیم، بورس یا سایر بازار های مالی نماگر وضعیت اقتصادی کشور میباشد اما نه دقیقا اینکه اگر بورس مثبت باشد وضعیت اقتصادی کشور هم مثبت است، همان طور که الان مشاهده می کنیم وضعیت اقتصادی کشور اصلا جالب نیست اما بورس تهران در این مدت رشد بی سابقه ای داشته و به بالاترین مقادارش هم رسیده است. علت

وابستگی بورس تهران این می باشد که شاخص بورس را سهام شرکت ها تشکیل داده اند و وضعیت این شرکت ها می تواند نماگری از وضعیت اقتصاد کشور باشد. اما چرا این ابزار های معاملاتی یا سهام شرکت ها نوسان می کنند؟ چند علت اصلی دارد اولین علت شاخص ها و تصمیم گیری های کلان کشور می باشد، مانند تصمیمات بانک مرکزی و سایر ارکان حکومتی کشور، دومین علت می توان اخبار و

رویداد های سیاسی را گفت. مانند برجام و صحبت های سیاستمداران و صاحبان قدرت چه در داخل ایران چه در خارج از کشور، سومین علت بازیگران قدرت در بازارها یا همان رانت ها یا کارتل های اقتصادی می باشند که در تمامی جهان وجود دارند. این کارتل های بزرگ اقتصادی می توانند بسیار بر نوسانات بازار های مالی تاثیر بگذارند اما در بورس تهران علاوه بر این شاهد افرادی هستیم که به آن ها رانت یا کارتل اقتصادی نمی توان گفت چون همچین قدرتی ندارند اما به دلیل کمبود ارزش و حجم معاملات در برخی سهم ها اقدام به افزایش و کاهش مصنوعی می کنند تا بتوانند با نوسان گیری از این سهم ها سود خوبی به دست بیاورند، سه علت بالا را می توان دلایل نوسان در تمامی بازار ها نام برد اما یک علت دیگر هم وجود دارد که بیشتر شامل شرکت ها می شود، علت چهارم تغییرات محیط و شرایط ساختار درون سازمانی یک



نوسانات اخیر شاخص بورس

پویا قنبرپور

pooyaghanbarpoor@gmail.com

چه با مسائل اقتصادی سر و کار داشته باشید چه نداشته باشید اگر پیگیر اخبار بوده باشید قطعاً تا کنون عبارت هایی نظیر «غول نقدینگی»، «بحران نقدینگی»، «تلاش دولت برای مهار نقدینگی» و عبارت را به دفعات شنیده اید. اما آیا از تعریف نقدینگی اطلاع دارید؟ می دانید چه زمانی به غول یا بحران تبدیل می شود؟ از رابطه آن با تورم، قدرت خرید و ... چه می دانید؟ ابزارهای کنترل آن ها چه چیزهایی هستند؟

در این گزارش سعی میکنیم به زبانی ساده به تمامی این پرسش ها پاسخ دهیم:

نقدینگی چیست؟

به مجموع پول و شبه پول های موجود در دست مردم یک کشور حجم نقدینگی آن کشور گفته می شود. مفهوم پول که کم و بیش معین است؛ وسیله مبادله ای است که دارای مقبولیت عام و پشتوانه قانونی یک کشور بوده و به طور مستقیم به عنوان وسیله مبادله مورد استفاده

قرار میگیرد. اما شبه پول چیست؟ استنلی فیشر، اقتصاددان آمریکایی و نایب رئیس فدرال رزرو آمریکا، شبه پول را اینگونه تعریف می کند: شبه پول به دارایی هایی گفته میشود که مستقیماً نمی توانند در مبادلات به عنوان وسیله مبادله ای مورد استفاده قرار گیرند اما قابلیت نقد شوندگی (تبدیل شدن سریع در قیمت حقیقی به پول نقد) بسیار بالایی دارند و می توان آن ها را با صرف مقداری هزینه و معمولاً با یک واسطه به پول نقد تبدیل کرد. به عنوان مثال اسکناس و چک مسافرتی پول هستند اما سپرده های مدت دار و پس انداز شبه پول محسوب می شوند. بنابراین می توان نقدینگی را مجموع تمامی واسطه های مبادله اعم از مستقیم یا غیر مستقیم موجود در دست مردم تعریف کرد.

چه زمانی نقدینگی تبدیل به بحران می شود؟



از غول نقدینگی چه می دانید؟

امیر حسن بزرگی متین

Abozorgimatin@gmail.com

هنگامی که حجم پول ها و شبه پول های موجود در اختیار مردم از میزان کالاها و خدمات موجود در جامعه بیشتر باشد تقاضا برای کالاها و خدمات بیشتر خواهد شد و در نتیجه با کمبود عرضه مواجه خواهیم شد و نهایتاً با توجه به کمبود عرضه مردم ناچار خواهند شد برای خرید کالاها و خدمات پول بیشتری پرداخت کنند و این امر خود موجب افزایش قیمت کالاها و خدمات شده و نهایتاً با استمرار این افزایش قیمت شاهد ایجاد تورم خواهیم بود.

همچنین در این شرایط با توجه به کمبود عرضه کالاها و خدمات داخلی شاهد افزایش واردات کالاهای ارزان از خارج خواهیم بود. به این شرایط بحران نقدینگی گفته می شود. علاوه بر این با توجه به اینکه ارزش هر پول به قدرت خرید آن و یا همان تعداد دفعات و مقدار کالایی که با آن می توان خریداری کرد بستگی دارد، در شرایط بحران نقدینگی قدرت پول رایج کشور نزول کرده و قدرت خرید مردم

کاهش می یابد. بنابراین نتیجه می گیریم بانک های مرکزی وظیفه دارند برای جلوگیری از کاهش قدرت پول و قدرت خرید مردم و همچنین جلوگیری از تورم سیاست هایی را اعمال کنند. معمولاً در این شرایط بانک های مرکزی اقدام به اعمال سیاست های پولی انقباضی می کنند تا بتوانند از حجم پول در اختیار مردم و به طبع آن نقدینگی بکاهند اما چگونه؟

ابزارهای کنترل نقدینگی چیست؟

در ایران بانک مرکزی، متولی سیاست های پولی، به طور کلی دو دسته ابزار برای اجرای سیاست های پولی در اختیار دارد:

1. ابزار های مستقیم که متکی به شرایط بازار پولی نمی باشند.

2. ابزارهای غیرمستقیم که متکی به شرایط بازار پولی هستند.

ابزارهای مستقیم اجرای سیاست پولی شامل کنترل نرخ سودهای بانکی و تعیین سقف اعتبار دهی هستند.

در زمان بحران نقدینگی بانک مرکزی برای کاهش حجم پول در اختیار مردم اقدام به افزایش نرخ بهره تسهیلات کرده تا از این طریق با کاهش تقاضا برای دریافت وام تا حدودی از افزایش حجم نقدینگی جلوگیری کند. از طرفی با افزایش نرخ سود سپرده می تواند نقدینگی موجود در جامعه را به سمت سپرده گذاری بانکی جذب کرده و از این طریق تقاضای آن ها تا مدتی کنترل خواهد شد.

همچنین تعیین سقف اعتبارات دهی یکی دیگر از ابزارهای مستقیم سیاست پولی در اختیار بانک مرکزی است که به وسیله آن بانک مرکزی در زمان بحران نقدینگی با اجرای یک سیاست پولی انقباضی اقدام به کاهش سطح مجاز بانک ها برای اعطای وام و تسهیلات خواهد کرد و از این طریق از افزایش بیشتر حجم پول در اختیار مردم جلوگیری خواهد کرد.

همچنین ابزارهای غیرمستقیم سیاست های پولی که در ایران از آن ها برای کنترل حجم پول استفاده می شود شامل تغییر نسبت سپرده قانونی بانک ها نزد بانک مرکزی، اوراق مشارکت بانک مرکزی و سپرده های ویژه بانک ها نزد بانک مرکزی اشاره کرد.

سپرده های قانونی به مبالغی گفته می شود که بانک ها موظفند از محل سپرده های افراد نزد خود در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. به عبارت دیگر سپرده های قانونی نسبتی از وجوه تحت اختیار بانک ها از سپرده های اشخاص می باشد که به منظور ایجاد ابزاری برای کنترل بازار پول نزد بانک مرکزی نگهداری می شوند.

در زمان بحران نقدینگی بانک مرکزی می تواند با افزایش نرخ ذخیره قانونی میزان وام دهی بانک ها را منقبض کرده و از افزایش حجم پول در اختیار مردم جلوگیری کند.

همچنین بانک مرکزی می تواند در چنین شرایطی با انتشار اوراق مشارکت و جذب نقدینگی در اختیار افراد حجم پول در جامعه را کاهش دهد و علاوه بر آن با سهم کردن افراد در فعالیت های تولیدی به آن ها سود واقعی و نه سود غیر مولد (مانند سودی که به ازای خرید اوراق قرضه تعلق می گیرد) پرداخت نماید.

همچنین در سال 1377 با تصویب شورای پول و اعتبار مقرر شد که در مواقعی که حجم نقدینگی در کشور بحرانی است بانک های تجاری با افتتاح سپرده های ویژه نزد بانک مرکزی در جهت جلوگیری از افزایش نقدینگی مازاد منابع خود را به جای وام دهی به اشخاص نزد بانک مرکزی نگهداری کنند و بانک مرکزی نیز طبق مقرراتی ویژه به این سپرده ها سود پرداخت کند.

وضعیت نقدینگی در حال حاضر به چه صورت است؟
در تیر ماه سال 1397 بانک مرکزی میزان نقدینگی را 160225000 میلیارد ریال اعلام کرد که نسبت به سال قبل آن افزایش 20 درصدی داشته است. این در حالی است که طبق آمار بانک مرکزی تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار در سال 1397 تا کنون چیزی حدود 20000000624 ریال بوده است.

"کسی که آواز بخواند هنوز زنده است؛ و کسی که گرسنه شود و از خوردن غذا لذت ببرد، هنوز از دست نرفته است." عقاید یک دلکد نوشته "هانریش بل" نویسنده سرشناس آلمانی است که می توان گفت یکی از شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می رود. این کتاب روایت زندگی دلکدی به نام شنیر است که خانواده ثروتمند خود را به دلیل اختلافات فکری رها کرده و به شغل ساده دلکدی روی آورده است. شنیر نگاه متفاوتی نسبت به عشق، مذهب و زندگی اجتماعی دارد و

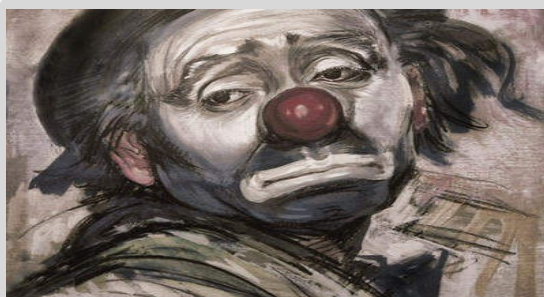
به هیچ عنوان با جامعه استبدادی آن زمان آلمان کنار نمی آید. او خود را از تمام اطرافیان و خانواده جدا کرده است و تنها کسی با او احساس نزدیکی می کند همسرش ماری است. او نماد انسان پوچ قرن بیستم است. کسی که جامعه اش را پذیرا نیست و به دلیل اختلاف با کلیسای آن زمان و درک نشدن از سوی اطرافیانش ترجیح می دهد به انزوا روی بیاورد. در بخشی از کتاب می خوانیم:

"مدت هاست که دیگر با کسی درباره ی پول و هنر حرف نمی زنم. هر وقت که این دو با هم برخورد می کنند، یک جای کار لنگ است. هنر را یا گران می خرند یا ارزان. در یک سیرک سیار انگلیسی دلکدی را دیدم که کارش بیست برابر و هنرش ده برابر من ارزش داشت و روزانه کمتر از ده مارک می گرفت. اسمش جیمز الیس بود و نزدیک پنجاه سال داشت و وقتی او را به شام دعوت کردم غذا عبارت بود از املت گوشت خوک، سالاد و شیرینی سیب. حالش به هم خورد. او در عرض ده سال گذشته این مقدار غذا را در یک وعده نخورده بود. از وقتی جیمز را دیده ام دیگر درباره ی پول و هنر با کسی حرف نمی زنم." شنیر عاشق دختری مذهبی به نام ماری می شود و علی رقم اینکه با وی ازدواج رسمی نکرده است او را همسر خود می داند و سال ها کنار هم زندگی می کنند. ماری دلکد را به دلایل مذهبی ترک می کند و شنیر دچار افسردگی شده

و در همه جای زندگی خود ماری را می بیند: "من به ماری فکر می کردم. به صدایش. به گونه هایش. به دستها و موهایش. به حرکاتش و به تمام کارهایی که باهم کرده بودیم. فقط دو چیز این دردها را تسکین می دهند. مشروب و ماری. مشروب یک تسکین موقتی است ولی ماری نه. ولی او رفته." در تمام این کتاب بی روح بودن آلمان زمان هیتلر کاملاً به چشم می خورد. رفتارهای پدر و مادر اشرافی شنیر، رفتار بزرگان کلیسا و مملکت و ... اما این کتاب را باید

چگونه تفسیر کرد؛ این کتاب ممکن است خواننده را دچار چالش های زیادی کند اما یک صداقت کلی را در تمام این اثر می توان دریافت کرد. دلکد در این کتاب بدون هیچ هراسی تمام مسائل دوران خود از جمله طبقه سرمایه دار، کاتولیک ها، کمونیست ها و نان به نرخ روزهای جامعه را نقد کرده است. ممکن است حملات شدید شنیر به مسائل گفته شده خواننده را دچار دلزدگی کند و به نحوی از سوی

مخاطب تندرو شمرده شود ولی باید این سوال را مطرح کرد که انسان متفاوت امروز آیا نباید به فکر فرو برود؟ بزرگترین چالشی که در این کتاب برای مخاطب ایجاد می شود تقابل بین عشق و مذهب است. بسیاری از انسان های مذهبی هستند که اشتباهاتی دارند و به دلیل پوشش دین بازخواست نشده اند و بسیاری دیگر مانند دلکد داستان هانریش بل، هیچ کاری را خلاف انسانیت انجام نمی دهند اما متهم می شوند. به هر صورت به عقیده من این کتاب مروج انسانیت، محبت و تفکر است. در آخر باید گفت قلم جذاب نویسنده مخاطب را وادار می کند تا انتهای داستان پیش برود و با سوالات بسیاری که در ذهنش ایجاد می شود، کشمکش درونی در او ایجاد شود که لازمه نسل امروز است.



معرفی کتاب: عقاید یک دلکد

مریم نیازی

mm.niazi68@gmail.com

پیامبر اکرم(ص):

داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را
به دانش خود بیفزاید.

نشریه دانشجویی آرمان از تمامی علاقه
مندان به مباحث اقتصادی، اجتماعی و
فرهنگی دعوت به همکاری می نماید.

ارتباط با ما:

@arman_khu